

فالون دافا: جنبش نوپدید دینی

دکتر محمد رضا تاجیک، سعیده امینی و عاطفه امینی*

چکیده

مقاله حاضر به یک جنبش نوپدید دینی با نام فالون دافا می‌پردازد. خاستگاه آن «چین» است و در مدت نسبتاً کوتاهی طرفدارانی را در سطح جهان جلب کرده است. شعار اصلی این جنبش «جن، شن، رن» یعنی حقیقت، نیک‌خواهی و بردباری است و در بودیسم و تائوئیسم ریشه دارد؛ اما در عین حال، خود را کامل‌تر از آنها می‌داند. به عقیده «لی هنگ جی» رهبر این جنبش، تائوئیسم به دنبال تزکیه بدن و بودیسم به دنبال تزکیه ذهن است؛ اما فالون دافا بر هر دو نوع تزکیه تأکید دارد و برای انجام آنها ۵ تمرین را ارائه می‌دهد که ۴ مورد آن به صورت حرکتی و یک مورد آن به صورت مدیتیشن است.

* دکتر محمد رضا تاجیک: عضو هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی؛ سعیده امینی: دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی؛ عاطفه امینی: کارشناس فقه و حقوق.

به طور کلی، مقاله حاضر، چهار بخش عمده دارد. در بخش مقدماتی، نخست تعریفی از جنبش ارائه شده است. در بخش دوم، علل وقوع جنبش‌های دینی از منظر جامعه‌شناختی مطرح شده است. در بخش سوم، اصول عقیدتی آن و بنیان‌هایش مطرح نظر قرار گرفته و نهایتاً در بخش پایانی، این جنبش به گونه‌ای نشانه‌شناسانه نقد و بررسی شده است.

واژگان کلیدی

فالون دافا، بودیسم، تائوئیسم، حقیقت، نیکخواهی، بردباری.

مقدمه

جنبش، یکی از انواع رفتار جمعی است که به شکل‌های گوناگون در جامعه تجلی می‌یابد. جنبش‌ها شبکه‌هایی غیر رسمی‌اند که بر اعتقادات مشترک و همبستگی مبتنی‌اند و از طریق استفاده مداوم از اشکال گوناگون اعتراض، حول موضوعات خاصی شکل می‌گیرند.^۱

انواع گوناگون جنبش‌ها در برهه‌های زمانی متنوع در عرصه تاریخ پدیدار شده و چهره جوامع را دگرگون کرده‌اند؛ برای مثال جنبش‌های لیبرالی و مشروطه‌خواهی در قرن ۱۸ و ۱۹ در برابر محافظه‌کاران با هدف محدود کردن قدرت حکومت‌های مطلقه، جنبش‌های کارگری پایان قرن نوزده و اوایل قرن بیستم در برابر سرمایه‌داری صنعتی با هدف ایجاد دولت رفاه، جنبش‌های تعمیم حق رأی زنان در برابر محافظه‌کاران جنبش‌های ضد استعماری و ناسیونالیستی که در کشورهای پیرامون در برابر کشورهای مرکز با هدف ایجاد دولت ملی و مستقل صورت گرفت.^۲

جهان علاوه بر جنبش‌های اجتماعی شاهد ظهور جنبش‌های مذهبی نیز بوده است. اوج حضور این جنبش‌ها در عرصه تاریخ جهان، سال‌های بعد از جنگ جهانی

۱. دلاپورتا و دیانی، مقدمه‌ای بر جنبش‌های اجتماعی، ص ۳۲.

۲. جلایی‌پور، جامعه‌شناسی جنبش‌های اجتماعی، ص ۲۳.

دوم به ویژه در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ بود. بسیاری از آنها در جوامع شرقی پدید آمده و سپس وارد جوامع غربی شده‌اند.^۱

جنبش‌ها به طور کلی به دو دسته متعارف و جدید تقسیم می‌شوند که در چندین زمینه با یکدیگر تفاوت دارند:

۱. جنبش‌های جدید بر خلاف نمونه متعارف برای همه امور نسخه نمی‌پیچند و اهداف، راهکارها و مطالبات محدودتری را دنبال می‌کنند.

۲. تشکلهای سازمان‌های جنبش‌های جدید، اغلب، غیرمتمرکز، پراکنده و کوچک‌اند، به راحتی می‌توان عضو این جنبش‌های متکثر شد و به آسانی می‌توان از آنها خارج شد.

۳. هدف جنبش‌های جدید، کسب قدرت سیاسی در حکومت نیست؛ بلکه این جنبش‌ها به دنبال اثرگذاری غیر مستقیم بر حکومت‌اند.

از بارزترین ویژگی جنبش‌ها، خصلت اعتراضی آنهاست که شکل اعتراض در جنبش‌های متعارف و جدید متفاوت است. در جنبش‌های نوع اول عمدتاً اعتراض، شکل خشونت‌آمیز دارد و در نوع دوم، اعتراض به صورت مسالمت‌آمیز و به گونه‌ای نرم‌تر بیان می‌شود. این گونه جنبش‌ها برای نشان دادن قدرت خود به تعداد حامیانشان توسل می‌جویند و تلاش می‌کنند تا از قدرت انسانی به جای قدرت نظامی استفاده کنند. آنها با برپایی راهپیمایی‌ها و استفاده از دادنامه‌ها و رفراندوم‌ها قدرت حامیان خود را به نمایش می‌گذارند.^۲

این جنبش‌ها نسبت به جنبش‌های متعارف از لحاظ تأثیرگذاری، شعاع گسترده‌تری دارند که مهم‌ترین عامل آن تنوع و گسترش رسانه‌های بین‌المللی است. همین امر سبب می‌شود این جنبش‌ها نه تنها در سطح ملی، بلکه در سطح بین‌المللی نیز هوادارانی را جذب کنند و بتوانند اهداف و ایده‌های خویش را در سطح جهانی گسترش دهند؛ از این‌رو بررسی این جنبش‌ها و علل وقوع و پیامدهای آن ضروری به

۱. همیلتون، جامعه‌شناسی دین، ص ۳۵۹.

۲. مقدمه‌ای بر جنبش‌های اجتماعی، ص ۲۵۰.

نظر می‌رسند. به همین سبب در مقاله حاضر، تلاش شد تا ضمن بررسی علل وقوع جنبش‌های مذهبی و ذکر ویژگی‌های آنها، نوع خاصی از یک جنبش مذهبی جدید با نام فالون دافا بررسی شود. فالون دافا در دهه‌های اخیر در کشور چین تولد یافته و سپس به بسیاری از کشورها از جمله ایران وارد شده است.

انواع جنبش‌های مذهبی

جنبش‌های مذهبی از نظر ساختار، مشابه جنبش‌های اجتماعی‌اند با این تفاوت که هدف آنها تحول در عرصه دین و نظام‌های ارزشی متعلق به آن است.

والیس (۱۹۸۴) طبقه‌بندی ذیل را از جنبش‌های نو پدید مذهبی ارائه می‌دهد:

۱. جنبش‌های طرد کننده جهان؛
۲. جنبش‌های تأیید کننده جهان؛
۳. جنبش‌های تطبیق کننده با جهان.

جنبش‌های طرد کننده، جهان مادی و اجتماعی را ارضا ناکنده، فاسد و غیرروحانی می‌دانند. جنبش‌های تأیید کننده جهان بیشتر رو به سوی فرد دارند و چنین آموزش می‌دهند که توفیق شخصی، قدرت یا برخورداری را می‌توان از طریق عملکردها و شگردهای آموزشی جنبش به دست آورد. یک چنین جنبش‌هایی معمولاً یا سازمان عبادت جمعی و کلیسا ندارند و یا سازمان بسیار آزادی دارند. این جنبش‌ها به دین به معنای متعارف شباهت ندارند و غالباً ادعا می‌کنند که دین نیستند. سرانجام جنبش‌های تطبیق کننده با جهان، جنبش‌های مذهبی سنتی‌ترند؛ اما به فرد و زندگی درونی و شخصی بیشتر توجه دارند تا ساختار اجتماعی. معمولاً مناسک دسته‌جمعی در این جنبش‌ها نقش مهم‌تری دارد و غالباً بر نوعی تجربه مذهبی شخصی تأکید می‌کنند.^۱

اعضای جنبش‌های تأیید کننده، اغلب دچار مسائل شخصی مانند بیماری و مشکلات مالی‌اند. بشارت این جنبش‌ها در دانش، شگردها و دستورالعمل‌هایی نهفته

۱. جامعه‌شناسی دین، ص ۳۶۶.

است که آنها برای کاستن شکاف بین آرزو و واقعیت ارائه می‌کنند. این جنبش‌ها به کسانی که احساس می‌کنند به اندازه کافی قدرت و منزلت ندارند، اعتماد به نفس می‌دهند و پاسخی هستند به کسانی که احساس محرومیت نسبی می‌کنند؛ برخلاف جنبش‌های طرد کننده. این نوع جنبش‌های تأیید کننده از تابعیت نفس هواداری نمی‌کنند؛ بلکه بر تجلیل نفس، رشد روحی و شکوفایی استعدادها پنهانی تأکید می‌ورزند.^۱

مسئله مهم دیگر به عضویت در این جنبش‌ها مربوط می‌شود. حضور در آنها به صورت آزاد و فراگیر است و قواعد سخت و انعطاف‌ناپذیر برای عضویت در بسیاری از آنها وجود ندارد. نتایج بسیاری از تحقیقات نشان می‌دهد که اعضای جنبش‌هایی که از دهه ۱۹۶۰ ظهور کرد بیشتر از میان جوانان طبقه مرفه و نسل بعد از جنگ جهانی دوم بودند.^۲ داوسن نیز بیان می‌کند که جنبش‌های دینی امروز، نوعی بازی برای جوانان‌اند.^۳ به تدریج که افراد وارد میانسالی می‌شوند از عضویت در این جنبش‌ها انصراف می‌دهند. مطالعات نشان داده‌اند که سطح تحصیلات اعضای جنبش‌های دینی بالاتر از سطح تحصیلات متوسطه است و بسیاری از آنها تحصیلات دانشگاهی داشته‌اند.^۴ حامیان جنبش‌های دینی معمولاً از اعضای طبقه متوسط و متوسط به بالای جامعه‌اند.^۵

لوین درباره این واقعیت می‌گوید: «جوانان خانواده‌های نه چندان ثروتمند، امکانات و فرصت گریز از ضروریات زندگی را ندارند. آنها یا باید خرج خود را در بیاورند یا باید به تأمین مخارج خانواده کمک کنند.»^۶ بنابراین تفاوت آنها از نظر سبک

۱. همان، ص ۳۷۰ و ۳۷۱.

۲. وانتو، ص ۱۱۴.

۳. همان، ص ۱۲۲.

۴. لوین، ص ۱۳۷.

۵. جامعه‌شناسی دین، ص ۳۷۱.

۶. لوین، ص ۱۳۷.

زندگی و پایگاه اقتصادی اجتماعی باعث تفاوت میزان مشارکت و عضویت آنها در این جنبش‌ها شده است.

عوامل متعددی در بروز و ظهور جنبش‌های مذهبی نقش داشته‌اند. زوال اشتراک جمعی در جوامع صنعتی جدید، عامل مهمی در پدید آمدن جنبش‌های نوپدید مذهبی بوده است.^۱

شرکت در این جنبش‌ها و عضویت در یک گروه نوعی، حس اشتراک اجتماعی را می‌تواند فراهم کند. مارکس و ایسون می‌گویند که این گروه‌ها نوعی تجربه همدلی عاطفی را که گویا در جامعه بزرگ‌تر وجود ندارد برای اعضایشان فراهم می‌کنند و ارزش‌های خودمانی را با ارزش‌های جهانی ترکیب می‌کنند. چنین تجربه‌هایی به منزله تجلی نیروهای الهی و روحانی شناخته می‌شود و حقانیت می‌یابد. این نیروها در زندگی اعضای گروه، عملکرد دارند.^۲

عضویت افراد در این جنبش‌ها و انجمن‌های وابسته به آن، بیانگر اختلال در سرمایه اجتماعی است. به بیان بوردیو (۱۳۸۴)، کلمن (۱۳۷۷) و پاتنام (۱۳۸۰)، سرمایه اجتماعی، دارای دو بعد اساسی پیوندهای انجمنی و اعتماد تعمیم یافته است. مقصود از پیوند انجمنی، حضور افراد در انجمن‌ها و عضویت در نهادهای مدنی است که همین امر، میزان مشارکت اجتماعی را در سطح جامعه بالا می‌برد و سبب می‌شود تا اعتماد بین افراد از سطح خانواده و آشنایان نزدیک فراتر رود و نوعی اعتماد تعمیم یافته بین افراد شکل بگیرد و به بیان دیگر شعاع اعتماد افراد گسترش یابد.

کمبود این انجمن‌ها در سطح جامعه باعث می‌شود تا افراد نتوانند به میزان کافی مشارکت اجتماعی داشته باشند و خصلت ذره‌ای پیدا کنند. ذره‌ای شدن افراد در یک جامعه، پتانسیل سازماندهی افراد آن جامعه را بالا می‌برد؛ به گونه‌ای که رهبران جنبش‌ها قادر به سازماندهی آنها در جهت عقاید خود خواهند بود.

۱. آنتونی وراپینز ۱۹۷۸؛ گوردن، ۱۹۷۴؛ مارکس و ایسون ۱۹۷۵.

۲. آنتونی وراپینز، ۱۹۷۴، پیترسون و موس، ۱۹۷۳؛ رابینز و آنتونی ۱۹۷۸.

بنابراین افراد به جای آنکه به عضویت انجمن‌هایی در آیند که حضورشان برای توسعه جامعه ضروری است، در گروه‌هایی جذب می‌شوند که سرمایه اجتماعی افراد جامعه را نه در جهت تقویت بلکه در جهت تخریب نظام موجود به کار می‌گیرند. از سوی دیگر این جنبش‌ها افراد را به عضویت در این انجمن‌ها دعوت و نوعی حس فردگرایی را نیز در آنها تقویت می‌کنند.

دو تعبیر عمده از فردگرایی وجود دارد: نظریه پردازانی نظیر اسپنسر و توکویل، فردگرایی را مساوی خودخواهی در نظر گرفتند و آن را به شرایط تضاد منافع شخص با جمع اطلاق کردند. به عقیده توکویل، فردگرایی «بذر هر فضیلتی را خشک می‌کند» و ممکن است در جوامع دموکراتیک رشد کند؛ اما از رویارویی نخستینش با «فضیلت‌های عمومی» فراتر می‌رود و به «دیگران حمله می‌برد و همه آنها را نابود می‌کند و سرانجام در خودخواهی مستهلک می‌شود».^۱

بنابراین خطر فردگرایی این است که «هرکس دوباره تا ابد، تنها به حال خود رها شود و این خطر وجود دارد که در تنهایی دل خویش زندانی شود».^۲ این تعبیر از فردگرایی در تقابل با تعبیر اخلاقی آن قرار می‌گیرد. دورکیم با طرح مفهوم کیش فرد، درک خوش‌بینانه‌ای را از این مفهوم ارائه داد.

کیش فرد، شامل ارزش‌هایی بود که فلاسفه قرن هیجدهم آن را بیان کرده بودند و الهام‌بخش انقلاب فرانسه شده بود. اینها ارزش‌هایی بودند که بر شأن و ارزش انسان به طور انتزاعی تأکید می‌کردند؛ بدین گونه آنها از خودخواهی فایده‌گرایان ناشی نمی‌شدند و در نقطه مقابل آن قرار داشتند. خودخواهی، تعقیب منفعت خود است؛ اما این ارزش‌ها نشان‌دهنده احساس همدردی با دیگران و تألم برای رنج انسانی است.^۳

۱. توکویل، به نقل از: کیویستو، اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی، ص ۱۲۲.

۲. همان.

۳. گیدنز، سیاست، جامعه‌شناسی و نظریه اجتماعی، ص ۱۳۶.

بدین ترتیب جنبش‌های مذهبی در نتیجه فراوانی ارزش‌های خودخواهانه به وجود آمدند و تلاش کردند تا نوعی روحیه فردگرایی (کیش فرد) را میان حامیان خود ترویج کنند.

در این باره استدلال کرده‌اند که این جنبش‌های نوپدید، جانشین کارآمدی برای شورش ضد فرهنگی دهه ۱۹۶۰ علیه فردگرایی فایده‌گرایانه و مادی‌اندیشانه در جامعه مصرفی جدید و عقلانیت فنی فرهنگ تحت سلطه علم‌اند. به نظر گلاک، همین چشم‌اندازها با تأکید بر فردگرایی، مسئولیت شخصی و فراطبیعت‌گرایی جهان‌بینی‌های سنتی را تضعیف کرده‌اند. بررسی‌های وتنو نیز تا اندازه‌ای این نظر را تأیید کرده است. او در بررسی‌ها نزول در خداشناسی و فردگرایی را تشخیص داده است. چشم‌اندازهایی که به انسان اجازه داده‌اند در همه حوزه‌های زندگی از جمله سیاست، سبک زندگی و نیز دین، آزمایش‌های بیشتری را به عمل آورد.^۱

عامل مهم دیگری که زمینه شکل‌گیری جنبش‌ها را فراهم ساخت تفکیک نهادی و ساختاری جوامع بود. تفکیک (differentiation) مفهومی است که غالباً در نظریه‌های جامعه‌شناسانی مطرح شد که به فرایند گذار جامعه سنتی به مدرن (اسپنسر، دورکیم، تونیس و...) توجه کردند. مقصود از تفکیک، حرکت جامعه از کلیت یکپارچه به کلیت تمایز یافته است. تفکیک در دو سطح نهادی و ساختاری روی می‌دهد که اسپنسر، این دو را در رابطه متقابل با یکدیگر قرار می‌دهد. به عقیده وی افزایش در حجم واحدهای اجتماعی، ضرورتاً تمایز فزاینده در فعالیت‌های اجتماعی را به دنبال خواهد آورد.^۲

دورکیم نیز در کتاب تقسیم کار، ضمن بیان مسیر تحول جامعه از همبستگی مکانیک به همبستگی ارگانیک به تفکیک کارکردی اشاره می‌کند و بنیان نظم انسجامی جامعه مدرن را در این تفکیک می‌داند. تفکیک کارکردی سبب می‌شود

۱. جامعه‌شناسی دین، ص ۳۶۰.

۲. کوزر، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ص ۱۴۵.

آنچه در جوامع سنتی به عنوان نهاد مسلط بود به نهادی در کنار سایر نهادها مبدل شود و کارکرد خاص خود را ایفا کند.

اینگلهارت در کتاب «تحول فرهنگی» در جامعه پیشرفته صنعتی از تفکیک کارکردی مذهب سخن می‌گوید: «در بیشتر جوامع کشاورزی، مذهب، نیروی کاملاً مهمی بود که کارکرد مؤسسات آموزشی، علمی، رسانه‌های جمعی، موزه‌های هنری، بنیادهای خیریه و همچنین کارکرد کنونی مؤسسات مذهبی در جوامع پیشرفته را به عهده داشت... در جامعه ماقبل صنعتی، فرهنگ تا حد وسیعی یعنی مذهب. در جوامع مدرن، مذهب به مراتب، شاخص ناقصی از کل فرهنگ است که روز به روز متمایز می‌شود و در معرض دگرگونی سریع‌تری است.»^۱

لاکمن نیز می‌گوید که ویژگی جوامع معاصر، بی‌نیازی از نظام‌های فراگیر ارزشی است؛ زیرا آنها به مشروعیت مذهبی نیاز ندارند. دین به جنبه‌ای از زندگی خصوصی تبدیل می‌شود و به گزینش فردی از میان انواع گزینه‌ها ارتباط پیدا می‌کند؛ گزینه‌هایی که آنها را به یک نظام ارضای شخصی می‌توان تبدیل کرد. همین قضیه، لاکمن را به این استدلال می‌کشاند که جوامع جدید، شاهد دگرگونی عمیقی در رویکرد مذهبی‌اند، بدین‌سان که از استعلاهای بزرگ که با امور اخروی، زندگی و مرگ، سروکار دارند، روی برگردانده و به استعلاهای کوچک زندگی روی آورده‌اند که با تحقق نفس، ابراز وجود و آزادی‌های شخصی سروکار دارند.^۲

عامل دیگری که باعث گرویدن افراد به فرقه‌ها و جنبش‌ها می‌شود محرومیت است. گلاک و استارک، پنج نوع محرومیت را از هم متمایز کردند: اقتصادی، اجتماعی (منزلت، قدرت و پایگاه) ارگانسمی (معلولیت جسمانی یا ذهنی) اخلاقی (اشاره به تضادهای ارزشی و ناخشنودی از آرمان‌های جامعه) روانی (فقدان التزام به ارزش‌های موجود مثل بی‌هنجاری). آنها معتقدند که محرومیت روانی باید مانند متغیری دخیل مدنظر قرار گیرد - حالتی از نومییدی یا بی‌هنجاری ناشی از محرومیت

۱. اینگلهارت، تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ص ۵۳.

۲. لاکمن، ص ۵۰.

عینی (اقتصادی، اجتماعی یا ارگانسیمی) که به انجام کنش منجر می‌شود تا فشار ایجاد شده به وسیله این محرومیت‌ها تخلیه شود. محرومیت روانی وقتی به وجود می‌آید که افراد، خودشان را فاقد نظام معناداری از ارزش‌ها ببینند و محرومیت اقتصادی، اجتماعی یا ارگانسیمی (یعنی محرومیت نسبت به سایر افراد) باشد و هنگامی که ماهیت محرومیت به طور نادرستی درک شود یا افراد تجربه‌کننده محرومیت نتوانند مستقیماً علل آن را محو کنند. افراد محروم در این مواقع، بیشتر به ایدئولوژی دینی روی خواهند آورد تا ایدئولوژی‌های غیر دینی. در چنین مواردی دین به جای اینکه علل محرومیت را محو کند بیشتر به جبران احساس محرومیت می‌پردازد.^۱

در عصر جدید، شاهد رشد روز افزون فرقه‌ها، آیین‌ها و جنبش‌های گوناگون در سطح جهان هستیم که تحت عناوین گوناگون سربرآورده‌اند. این مقولات، عمدتاً از ادیان توحیدی فاصله می‌گیرند و به دنبال معرفی ماوراءالطبیعه از زاویه دیگرند. ریشه آنها در اومانیزم است و رهبران این جنبش‌ها در تلاش‌اند تا انسان را از نیروی درونی خویش آگاه سازند و به او یادآور شوند که فراتر از یک موجود جسمانی صرف است و با اتکا به انرژی درونی خویش و با تقویت جسم و روح خویش قادر است در عالم صغیر و کبیر دگرگونی ایجاد کند.

فالون^۲ دافا^۳ یکی از این جنبش‌هاست که به عنوان یک روش پالایش و پرورش بدن و ذهن معرفی شده است. «لی هنگجی» در سال ۱۹۹۲ در کشور چین، این جنبش را به عموم مردم معرفی کرد.

لی هنگجی کار انتقال آموزش‌ها و اصول فالون دافا را بین سال‌های ۱۹۹۲ – ۱۹۹۵ از طریق برگزاری جلسات حضوری برای تعداد بسیار زیادی از علاقه‌مندان در نواحی مختلف کشور چین انجام داد. با چاپ و انتشار متن ۹ جلسه از سخنرانی‌هایش

۱. جامعه‌شناسی دین، ص ۱۱۲.

۲. فالون: چرخ قانون.

۳. دافا: راه بزرگ، اصول و قوانین اصلی حاکم بر عالم

در کتاب «شو آن فالون» انتقال اصول به شاگردان، از طریق مطالعه کتاب امکان پذیر شد. «شو آن فالون» پرفروش ترین کتاب در پکن در سال ۱۹۹۶ بود. علاوه بر «شو آن فالون» این گروه، کتاب دیگری با عنوان «فالون گونگ» دارد. رهبر این گروه از روی احترام، «استاد» یا «معلم» نامیده می شود. در این روش، فقط یک معلم و استاد حضور دارد. بقیه تمرین کنندگان، صرف نظر از اینکه چه مدتی تمرین می کنند و در چه سطحی اند، تماما به عنوان شاگرد محسوب می شوند.^۱

فالون دافا طبق اظهارات پیروان آن، روش تزکیه ای است که مستقل از ملیت، فرهنگ، مذهب، گروه های اجتماعی و فعالیت های سیاسی است. فالون دافا هم اکنون در کشورهای مختلف تمرین می شود. بسیاری از تمرین کنندگان به صورت گروهی در فضاهای آزاد، پارک ها و مکان های عمومی تمرین می کنند.

این جنبش در تلاش است تا به تزکیه ذهن و بدن پردازد و برای این منظور ۵ تمرین صورت می گیرد که هر کدام با یک عبارت مشخص می شود و از میان این ۵ تمرین ۴ مورد به صورت حرکتی و یک مورد آن به صورت مدیتیشن است.

تمرین اول: بودا هزار دست را نشان می دهد؛

تمرین دوم: ایستادن فالون مثل یک ستون؛

تمرین سوم: نفوذ در دو منتهی الیه کیهانی؛

تمرین چهارم: گردش آسمانی بزرگ؛

تمرین پنجم: تقویت نیروهای الهی؛

طرفداران فالون دافا معتقدند که انجام این تمرین ها یک مکانیزم قدرتمند را در بدن به وجود می آورد که سیستم چرخش انرژی را در بدن، تنظیم و باعث بهبود سلامت و پالایش جسم می شود. این تمرین ها در هر محیط و شرایطی قابل انجام است. به عقیده این مکتب، انجام این تمرین ها و رعایت آموزش های این روش، به شخص کمک می کند تا در جهت رسیدن به سلامت جسم، پاکی ذهن و جذب شدن در سرشت گیتی و در نهایت، بازگشت به فطرت پاک خود قدم بردارد.

۱. <http://falundafa.org>.

لی هنگجی در سخنرانی سوم خویش انجام این حرکات را این گونه توصیف می کند که وقتی تمرین های حرکتی تزکیه را انجام می دهیم، اطراف ما میدانی شکل می گیرد. بعضی افراد می گویند که آن، یک میدان چی یا یک میدان مغناطیسی یا یک میدان الکتریکی است. در واقع هر اسمی هم که بر این میدان بگذارید درست نیست؛ زیرا ماده ای که در این میدان وجود دارد بی نهایت غنی است. وقتی شاگردان ما در این میدان می نشینند، ذهنشان از فکرهای بد آزاد است. هر کسی احساس می کند که در فضایی آرامش بخش قرار دارد و احساس خوبی دارد. این تأثیری است که یک تزکیه کننده در محدوده یک میدان انرژی از یک راه درست دارد.

افرادی که افکار بد دارند و درباره چیزهای نادرست فکر می کنند، تحت تأثیر قوی میدان شما ممکن است فکر خود را عوض کنند و ممکن است بعد از آن، افکار بد خود را متوقف کنند. نکته ای که در حین انجام تمرینات به آن اشاره می کند، قرار دادن فالون در درون افراد است.

لی هنگجی می گوید: «در طول کلاس هایم شخصا فالون را برای شاگردان کار می گذارم. در حالی که فالون دافا را آموزش می دهیم، فالون را در بدن همه پی در پی نصب می کنیم. بعضی از افراد می توانند آن را احساس کنند؛ در حالی که دیگران نمی توانند. این به آن علت است که مردم، شرایط فیزیکی گوناگونی دارند. فالون، میناتور از جهان است که تمام قابلیت های جهان را دارد و به طور خود کار می تواند

عمل کند و بچرخد و تا ابد در قسمت زیرین شکم شما دوران خواهد داشت. همین که فالون در بدن شما جای گرفت، سالیان سال بدون توقف تا ابد به این شکل خواهد چرخید.»

همچنین این مکتب دارای نمادی است که رهبر آن درباره اش این گونه توضیح می دهد:



نماد فالون دافای ما یک فالون است. کسانی که توانایی‌های فوق طبیعی دارند می‌توانند این فالون را که در حال چرخیدن است ببینند. این برای علامت‌های کوچک فالون ما نیز صدق می‌کند، آنها نیز در حال چرخش‌اند. طرح این فالون، مینیاتور جهان است. نمادهای «تای جی» و نمادهای صلیب شکسته کوچک نیز در طرح در حال چرخش‌اند. همچنین تمام فالون در حال چرخش است و صلیب شکسته بزرگ در مرکز نیز می‌چرخد؛ به عبارتی دیگر، آن، نماد راه شیری ماست و در عین حال از آنجا که ما به مکتب بودا تعلق داریم، نمادی از مکتب بودا را در مرکز دارد. وقتی فالون در جهت گردش عقربه‌های ساعت می‌چرخد، می‌تواند انرژی را به بیرون بفرستد، با چرخش داخلی (در جهت گردش عقربه‌های ساعت) فرد، خود را نجات می‌دهد و با چرخش خارجی (خلاف عقربه‌های ساعت) دیگران را نجات می‌دهد.^۱

از مهم‌ترین عقاید فالون دافا سه عنصر (جن، شن، رن یا حقیقت، نیک‌خواهی، بردباری) بازگشت به اصل و تزکیه ذهن و جسم است.^۲

الف) جن، شن، رن

این سه شعار اصلی فالون دافاست که سرشت جهان را تشکیل می‌دهد. تزکیه‌کننده برای اینکه در نیروی کیهانی جذب شود و به ماورای مرگ و تولد راه یابد باید این سه را در خود تحقق بخشد. صداقت، شفقت و صبر، سرشت جهان است. جوهره بودا، بودن و بنیادی‌ترین سرشت جهان؛ جن، شن و رن است. بدن انسان این سرشت حقیقت، نیک‌خواهی و بردباری را دارد.^۳

او در حقیقت با رویکردی «ماهایانه‌ای» اعلام می‌کند که بودا تمام جهان را پر می‌کند و باید به او پیوست و در وجود او جذب شد و این سه خصلت، بنیادی‌ترین خصال بوداست.

۱. لی هنگجی، شو آن فالون، ص ۳۳۹.

۲. مظاهری سیف، فالون دافا، معنویت بدن‌گرا، در دست چاپ.

۳. شو آن فالون، ص ۲۲.

ب) بازگشت به اصل

لی هنگجی، جهان را بسیار فراتر از این دنیایی می‌داند که اکنون در آن به سر می‌بریم. این دنیا به عقیده وی وقت اضافه‌ای است که روشن‌بینان به مردم بدکار داده‌اند تا با رنج کشیدن به جایگاه اولیه خود باز گردند. واقعیت این است که ماده از جهان حقیقت، شفقت و بردباری تشکیل یافته است و تمام انسان‌ها در فضای جهان از این سه اصل ساخته شده‌اند؛ اما هنگامی که در روابط اجتماعی با دیگران قرار می‌گیرند بر خلاف این سرشت، عمل و سقوط می‌کنند.

در مرحله سقوط یافته نیز عده‌ای هستند و زندگی اجتماعی دیگری شکل می‌گیرد و باز هم بر خلاف سرشت جهان عمل می‌شود و سقوطی دوباره رخ می‌دهد تا اینکه تمام سطوح جهان طی می‌شود.^۱ اینجاست که روشن‌بینان شفقت می‌ورزند. «در این سطح این افراد باید از بین رفته یا نابود می‌شدند؛ اما روشن‌بین‌های بزرگ از روی نیک‌خواهی و الایشان تعمداً این بعد دنیای بشری را خلق کردند. در این بعد به آنها یک بدن فیزیکی اضافی و یک جفت چشم اضافی می‌دهند که فقط به دیدن چیزهای موجود در این بعد مادی ما محدود است، به این معنا که آنها در این سرزمین توهم می‌افتند... از آنجا که در این توهم قرار دارند، در میان بزرگ‌ترین زجرند. به آنها این بدن را می‌دهند که با آن زجر بکشند. وقتی شخصی بخواهد از این بعد به بالا برگردد، بخواهد بر طبق مدرسه تائو به خود واقعی اولیه‌اش برگردد، باید قلبش را برای تزکیه کردن بگذارد که بدین معناست که سرشت بودایی او ظاهر شده است.»^۲

در این سطح از جهان که انسان پدید می‌آید بیماری، سرما، گرما، گرسنگی، تشنگی، مرگ و انواع رنج‌ها وجود دارد؛ پس کسی که از این فرصت استفاده کند و خود را به سطوح بالا بکشد از زاد و مرگ‌های پی‌درپی نجات پیدا می‌کند و در غیر این صورت، بارها و بارها متولد خواهد شد و رنج خواهد کشید. این بدن در فرایند تزکیه به سوی سطوح بالاتر می‌رود و به بدن بودا تبدیل می‌شود. در سطوح بالا ماده به



۱. همان، ص ۱۱۹.

۲. همان، ص ۷۹.

انرژی تبدیل می‌شود و از هر گونه آسیب و ضعف پاک می‌شود و سرانجام از تناسخ نجات پیدا می‌کند.

گونگی که بر اثر تزکیه ایجاد و جذب می‌شود در سلول‌های بدن ذخیره می‌شود. گونگ به صورت ماده‌ای با انرژی بالا، تمام سلول را پر می‌کند و در آن متراکم می‌شود و به شکل سلول‌های شما در می‌آید. در این حالت، بدن، دیگر آن بدن فیزیکی اولیه نیست؛ بلکه جوهر آن عوض شده است. این فرایند، «پالایش بدن» نامیده می‌شود.

لی هنگجی در این باره می‌گوید: «هر چه سطح یک فرد بالاتر رود، انرژی او متراکم‌تر، ذرات آن ظریف‌تر و قدرت آن بیشتر می‌شود. تحت چنان شرایطی، انرژی در هر یک از سلول‌های بدن ذخیره می‌شود و نه تنها در هر یک از سلول‌های بدن در این بعد مادی ما، بلکه در تمام بدن‌ها در بعدها دیگر ذخیره می‌شود... آن ماده با انرژی بالا وجودی باهوش است و قدرت دارد... همین که سلول‌ها مهار شوند، هیچ سوخت و سازی وجود نداشته و در مرحله‌ای به طور کامل جایگزین سلول‌های گوشتی انسان می‌شود.»^۱

این اعمال برای تحقق اهداف فالون دافا و راهی برای نجات بشر از تناسخ و راهی است برای از بین بردن کارما، کسب تقوا و تبدیل آن به گونگ، جذب گونگ در بدن و صعود به سوی بدن بودا به دور از رنج و بیماری و تولد دوباره در این دنیا.

ج) تزکیه ذهن و جسم

تزکیه جسم از طریق تمریناتی است که لی هنگجی ابداع می‌کند و آموزش می‌دهد. با تلفیق این دو روش می‌توان در سطح بالایی تزکیه کرد؛ به طوری که بدن و ذهن، هم‌زمان پاک می‌شود و انرژی زیادی را برای شکل‌گیری مدار آسمانی مائویو و رسیدن به بدن بودا فراهم می‌کند. با جمع میان تزکیه ذهن و جسم در فالون دافا امکان باز شدن سریع و هم‌زمان تمام کانال‌های انرژی بدن فراهم می‌شود و ضعف و بیماری و پیری از جسم می‌گریزد و تسلسل مرگ و تولد گسسته می‌شود.

۱. همان، ص ۸۵.

توجیه برنامه «تزکیه دوگانه ذهن و جسم» این است که ذهن در حقیقت، پدیداری مادی در بدن انسان است؛ مثل: شکل بدن. ذهن، هم فعل و انفعالات شیمیایی و امواج و ارتعاشات فیزیکی و هم بخشی از بدن است و این دو یکی‌اند. «در حقیقت، ماده و ذهن، هر دو یک چیزند. [برخی دانشمندان امروزی] معتقدند فکری که مغز انسان تولید می‌کند ماده است؛ بنابراین آنها به صورت مادی وجود دارند.»^۱

با توجه به این موضوع، تزکیه کامل و فراگیر که همه ظرفیت‌های موجود را به کار گیرد باید به هر دو بخش ذهن و جسم پردازد تا گشایش یکباره تمام کانال‌های انرژی - که تزکیه اصلی لی‌هنگجی است - اتفاق بیفتد.

او تأکید می‌کند که این دو روش تزکیه باید به درستی انجام شود و درباره هر کدام، طرح و نظر ویژه‌ای دارد. به عقیده لی‌هنگجی، هم روش‌های رایج تزکیه ذهن و هم روش‌های تزکیه جسم نادرست است و این دو در فالون دافا به طور متفاوتی تعریف شده است و انجام می‌گیرد.

(د) تزکیه ذهن در فالون دافا

همه مردم یک روح اصلی و خودآگاه دارند و یک روح کمکی که در حالت نیمه‌هوشیار فعال می‌شود. خود اصلی ما همان ذهن خودآگاه و هوشیار است که باید تزکیه شود. روش‌ها و تمرین‌های دیگر که به خلسه رفتن را لازمه تمرین می‌دانند، در حقیقت، روح کمکی را تزکیه می‌کنند. مدیتیشن‌های طولانی و حتی آنها که سال‌ها ریاضت می‌کشند، روح اصلی را تزکیه نمی‌کنند.^۲

اما روش فالون دافا با تأکید بر همین زندگی عادی و قرار گرفتن در آن و تحمل انواع رنج‌ها، خودآگاه اصلی و روح اصلی تمرین کنندگان را تزکیه می‌کند.

کسانی که روح کمکی را تزکیه می‌کنند اگر چه به نیروهای فوق طبیعی دست یابند در واقع، روح کمکی‌شان رشد کرده است و خودشان به جایی نرسیده و از چرخه مرگ و تولد رها نشده‌اند و دوباره به این دنیا بازخواهند گشت. راه حقیقی

۱. همان، ص ۳۴.

۲. همان، ص ۲۲۶.

نجات، روش فالون دافاست که به سانسارا (تناسخ) و تولدهای مجدد پایان می‌دهد و فرد با تزکیه ذهن هوشیار و روح اصلی، تقوا و گونگ لازم را برای تحول بدن و گشایش مسیرهای انرژی فراهم می‌آورد.

لی هنگجی پس از توضیح این موضوع می‌گوید: «من رازی ابدی را فاش کرده‌ام، راز اسرارها، که مطلقاً نمی‌توانست گفته شود. ماجرای درون تمام روش‌های مختلف تزکیه در سراسر تاریخ را بر ملا کرده‌ام.»

تزکیه باید کاملاً هوشیار و در متن زندگی تحقق یابد. در حالت خلسه، انزوا، خواب یا بیهوشی که تزکیه حقیقی اتفاق نمی‌افتد. باید در کش و قوس روابط اجتماعی، منازعات و برخوردها شین شینگ^۱ خود را تزکیه کنید و تقوا به دست آورید تا گونگ شما حقیقتاً افزایش پیدا کند^۲ و این در متن زندگی به دست می‌آید؛ با مردم زیستن و مثل آنها نبودن؛ نیازهای معمولی و بشری را برآوردن بدون اینکه در بند آنها باشی؛ این، تزکیه واقعی شین شینگ و مربوط به روح اصلی شماست.

ه) تزکیه جسم در فالون دافا

تزکیه جسم، ادامه تزکیه ذهن است. با تزکیه ذهن یا شین شینگ، کارما از بین می‌رود و تقوا به دست می‌آید؛ اما در ادامه، تزکیه جسم هم لازم است. تبدیل تقوا به گونگ، اساسی‌ترین مرحله است، تزکیه جسم به تزکیه ذهن افزوده می‌شود. در اینجا نقش استاد در فالون دافا حیاتی است. در حقیقت بدون کمک او تقوا به گونگ تبدیل نمی‌شود و هیچ گونگی به دست نمی‌آید. «عمل تزکیه به خود شخص بستگی دارد؛ در حالی که گونگ به استاد شخص مربوط است.»

۱. شین شینگ سرشت قلب و ذهن و خصوصیات اخلاقی است. تزکیه شین شینگ در هماهنگی با سرشت جهان یعنی شن، رن و جن اتفاق می‌افتد. کسی که بتواند راستی، مهربانی و بردباری بورزد در حال تزکیه شین شینگ است و می‌تواند با ادامه این راه با جهان و نیروی طبیعت یکی شود و در سرشت جهان - که همین سه خصلت است - جذب شود. شو آن فالون، ص ۸، ۲۲ و ۴۱۷ به نقل از: فالون دافا معنویت بدن‌گرا، در دست چاپ.

۲. همان، ص ۹.

کسب گونگ و عملیات تزکیه جسم از طریق فالونی صورت می‌گیرد که لی هنگجی در بدن «فالون دافا کاران» قرار می‌دهد. فالون یک شیء نامرئی برای افراد عادی است که شکلی دایره‌ای دارد و در بدن کسانی که تمرینات فالون دافا را انجام می‌دهند، قرار داده می‌شود، می‌چرخد و انرژی جهانی را جذب می‌کند تا تمام کانال‌های انرژی، یکباره باز شود. عمل تزکیه جسم و حتی انجام تمرینات فالون دافا بدون قرار گرفتن فالون بیهوده است.^۱ بدنی را که در آن فالون نصب می‌شود «فاشن» نامیده‌اند.

به این ترتیب با ابداع فالون و قرار دادن آن در بدن تزکیه‌کنندگان، راه تازه‌ای به سوی آسمان‌ها باز شده و فالون دافا به صورت یک روش بی‌نظیر برای نجات بشر و سرآمد تمام تعالیم معنوی تاریخ بشری در روزگار شقاوت و پلیدی ظهور کرده است. لی هنگجی خود را منجی بشری در این دوران می‌داند و صریحا اعلام می‌کند که «ما مسئول نجات مردمیم».^۲

بنیان‌های فالون دافا

این جنبش در بودیسم و تائوئیسم ریشه دارد. بودیسم از جمله مکاتبی است که اعتقاد به خدا یا خدایان از اصول اساسی آن به شمار نمی‌آید؛ به همین سبب گفته می‌شود دین بودا یک دین توحیدی نیست.^۳

خاستگاه این مکتب، هند بوده است و همان‌طور که سنت فلسفی یونان بر تاریخ عقلی تمدن غربی تأثیر نهاد، آیین بودا نیز تأثیر شگرفی بر تاریخ عقلی و دینی تمدن آسیایی گذاشت.^۴



۱. شو آن فالون، ص ۴۸ و ۴۹.

۲. همان، ص ۳۳۹.

۳. جامعه‌شناسی دین، ص ۱۲۹.

۴. کازینز، آیین بودای باستان، ص ۶۰.

واژه بودا به معنای بیدار یعنی «بیدار از خواب روانی دل تربیت نشده» است. بودا کسی است که «دمه» یا «حقیقت بنیادین» چیزها را می‌شناسد. پس شخصی که به مقصد راه بودایی رسیده، بوداست.^۱

از مهم‌ترین عناصر بودیسم، آموزش‌ها و هشت خان بوداست. آموزش‌های بودا چهار حقیقت اصیل در بر دارد: نخست اینکه زندگی، همراه رنج است؛ دومین سرچشمه رنج، همان آرزوست؛ سوم اینکه با خاموش کردن آرزو و اشتیاق می‌توان رنج را از میان برداشت و چهارم آنکه تنها از طریق پیمودن راه هشت گانه - که همان راه بودایی است - به هدف بالا می‌توان دست یافت.^۲

هشت خان بودا عبارت‌اند از: آرزومندی درست، گفتار درست، کردار درست، معیشت درست، تلاش درست، مراقبه درست و ژرف‌اندیشی درست.

دو خان نخستین به ضرورت جستجوی رستگاری و پذیرش دهر ما برمی‌گردند. سه خان بعدی، به اخلاق مربوط‌اند که می‌توان آنها را بر حسب احکام پنج‌گانه نیز بیان کرد که عبارت‌اند از: خویشنداری و اجتناب از آدمکشی، دزدی، روابط جنسی نامشروع، استعمال مواد مخدر و پایبندی به درستکاری.

سه خان آخر این راه هشت گانه به مراقبه (meditation) و دستیابی به آرامش و خردمندی از طریق آن مربوط‌اند. مراقبه به رستگاری نهایی یا نیروانا می‌انجامد. این رستگاری زمانی به دست می‌آید که خردمندی، حاصل شده باشد. منظور از این خردمندی، آگاهی به این قضیه است که نفس یا روح، یک جریان ناپایدار است. بودا می‌آموزد که هیچ چیز پایدار نیست و همه چیز گذراست.^۳

در تائوئیسم، تنها حقیقت، «شدن» است و هستی و نیستی، محصول فرایند «شدن» به شمار می‌آید. در این مکتب، دوگانگی بنیادی مثل هستی، نیستی، هستی و شدن معنا ندارد. تائو یعنی شدن، هستی و نیستی دو قطب متضاد شدن‌اند. هر عنصر خاص در

۱. همان، ص ۶۲.

۲. جامعه‌شناسی دین، ص ۱۲۵.

۳. همان، ص ۱۲۶.

درون تمامیت، دارای برتری درونی خاص خویش است. معنای این واژه در چینی «ته» (te) است. ته هر عنصر به عنوان وسیله‌ای عمل می‌کند که آن چیز بر وفق آن، کل اشیا را از چشم‌انداز خود توضیح می‌دهد و بدین‌سان جهانی را نام‌گذاری می‌کند و می‌آفریند. «تائو - ته» را می‌توان همچون رابطه میدان (تائو) با کانون (ته) فهمید؛ به همین‌سان در نگرش تائویستی، اجزا در عین حفظ ویژگی‌های خود یک کلیت را تشکیل می‌دهند. تمامیت تائویستی، افقی است نه عمودی و هیچ‌گونه سلسله‌مراتبی در کار نیست. در جهان‌شناسی تائویستی، هیچ‌گونه زنجیره بزرگ هستی یا مدارج کمالات متصور نیست.

دیدگاه تائویسم بر نظم استوار نیست؛ بلکه مبتنی بر آشوب است. معنای تائو در راز آشوبی نهفته است که مجموعه همه نظم‌هاست. تائویسم مبنی بر تأیید آشوب است، نه نفی آن. در تائویسم باید آشوب را به حال خود گذاشت تا در حالت خودجوشی خود نشو و نما یابد؛ زیرا چیزهای گوناگون به خودشان نظم می‌بخشند.^۱ این جنبش با آنکه از این دو مکتب^۲ تأثیر پذیرفته است؛ اما در عین حال، خود را کامل‌تر از آنها می‌داند. لی هنگجی معتقد است که مکتب تائو روی حقیقت، صداقت و درستی (جن) تأکید بیشتری دارد و توجه این مکتب بر تزکیه بدن است. مکتب بودا بیشتر به نیک‌خواهی، دوستی و شفقت (شن) توجه می‌کند و نوع تزکیه آن مربوط به ذهن است و بودائی‌ها صرفاً بر این نوع تزکیه تأکید دارند. لی هنگجی تأکید می‌کند که تزکیه ذهن و جسم باید با هم انجام شود. «فالون دافا بر پایه والاترین استاندارد جهان حقیقت، نیک‌خواهی و بردباری است. ما به طور همزمان، همه را با هم تزکیه می‌کنیم؛ بنابراین آنچه تزکیه می‌کنیم عظیم است.»^۳

۱. هال، چین مدرن و غرب پست‌مدرن، ص ۷۲۶.

۲. اثرپذیری این جنبش از بودیسم تا حدی است که ۷۶ بار واژه بودیسم، ۱۴۸ بار واژه بودا و ۱۵ بار واژه بودایی و بودیستی در کتاب شو آن فالون آمده است.

۳. شو آن فالون، ص ۲۳.

او فالون دافا را برخوردار از امتیازات تائوئیسم و بودیسم و در نهایت، چیزی بیشتر می‌داند و بر بردباری و تحمل رنج، تأکید ویژه‌ای دارد. تائوئیسم در جستجوی درک حقیقت، حقیقی بودن و حقیقی زیستن با سرشت نیروی جهانی هماهنگ بود و بودیسم در صدد نیکی و شفقت به دیگران و گذشتن از نفس و تعلقات پوچ آن از طریق عشق‌ورزی به دیگران است؛^۱ اما فالون دافا با حفظ این دو آموزه، تحمل رنج‌ها و سختی‌های زندگی را در زندگی بشر بسیار اساسی و نجات‌بخش می‌داند. رنج‌های زندگی، نتیجه خطاها، تعلقات و ناپاکی‌های زندگی گذشته است و تا از آنها پاک نشویم نجات نخواهیم یافت. این پاکی در گرو تحمل رنج و تن دادن به زندگی بردبارانه‌ای است که به منظور تزکیه انجام می‌شود.

حضور فالون دافا در ایران

همه ادیان در زمان خود، دینی نو ظهور تلقی می‌شدند: مسیحیت، زرتشت، اسلام، متودیسم و... خصوصیت ویژه‌ای که در جنبش‌های نوپدید دینی (NRMs) وجود دارد، تکثر، تنوع و التقاط‌گرایی شدیدی است که در میان آنها یافت می‌شود. نخستین موج ظهور فرق جدید در غرب، نظیر «بیداری‌های بزرگ» در آمریکا یا آیین‌هایی نظیر «علم مسیحی»، «شهود یهوه» و «مورمون‌ها» که در قرن نوزدهم ظهور کردند، تقریباً همگی مشترکاتی با سنت یهودی - مسیحی داشتند؛ اما موج جدیدتر، اولاً: به ادیان غیر ابراهیمی نظیر هندوئیسم، بودیسم و شینتو تمایل و تشابه فراوان نشان داده‌اند و ثانياً: ترکیبی التقاطی از ادیان رسمی، مفاهیم اومانستی و سایکولوژیک در قالبی تجربه‌گرایانه مهیا ساخته‌اند.

این جنبش‌ها صفات مشترکی دارند که عبارت‌اند از:

۱. اعضای این فرقه‌ها، دل‌بسته‌تر، پایبندتر و حتی متعصب‌تر از کسانی‌اند که در

ادیان اصلی به سر می‌برند.

۱. فالون دافا معنویت بدن‌گرا، در دست چاپ.

۲. عضویت، وضعیتی غیر معمول برای کل جامعه دارد. برخی فرقه‌ها در غرب و عموم آنها در کشوری با دین رسمی قوی، مانند ایران، تشکیلاتی کمابیش مخفی و شاید بتوان گفت زیرزمینی تشکیل می‌دهند و اعضا را از بازگویی مسائل موجود در محافل خصوصی برحذر می‌دارند.

۳. وجود رهبر کاریزماتیک غیر مقید به سنت که تمام جوانب زندگی مریدان از نوع غذا، محل مسکن، همسر، لباس و حتی حق حیات را تعیین می‌کند.

۴. چنین وانمود می‌کنند که روایات روشن تری از حقیقت دارند؛ حتی روشن تر از ادیان کهن.

۵. بر این ادعایند که راهی سریع، کاملاً مرحله‌بندی شده و قابل اجرا برای رسیدن به حقیقت دارند.^۱

این جنبش‌ها به طور کلی در دهه‌های اخیر توانسته‌اند هوادارانی را در سطح جهان پیدا کنند که آموزه‌های آنان را پذیرفته و در زمره پیروان آنها قرار گرفته‌اند. یکی از مهم‌ترین عوامل تکنیکی که گسترش آنها را در جهان سرعت بخشیده، دسترسی آنها به رسانه‌های بین‌المللی و اینترنت است.

زوئن از رابطه رسانه‌ها و جنبش‌ها با عنوان «رقص مرگ» یاد می‌کند. به عقیده وی، رسانه‌ها به سه طریق به «جنبش‌های نوین» کمک کرده‌اند. نخست اینکه جنبش‌ها از طریق رسانه‌ها قادرند به جمعیت بزرگ تری از مخاطبان دست یابند و تأیید مدام را برای آرمان‌های هر جنبش جلب کنند. دوم اینکه پوشش رسانه‌ای می‌تواند بین جنبش‌ها و سایر عاملان اجتماعی پیوندهایی نمادین برقرار سازد و قادر است اولویت‌ها و دستور کار نهادهای مختلف را تحت تأثیر قرار دهد. سوم اینکه فعالیت جنبش‌ها وقتی تحت پوشش رسانه‌های خبری قرار می‌گیرد در برخی اعضای آنها این احساس را برمی‌انگیزد که کوشش ایشان برای دنیای خارج اهمیت دارد.^۲

۱. حمیدیه، ایران و رشد دین‌نماهای جدید، ص.

۲. زوئن، رقص مرگ، ص ۲۵۴.

بنابراین کشورها با این پوشش رسانه‌ای از نفوذ این جنبش‌ها و آموزه‌های آنها مصون نخواهند بود. گسترش آنها تا جایی است که در کشورهایی با ادیان توحیدی قوی (اسلام، مسیحیت و یهودیت) فرصت بروز و ظهور یافته‌اند که البته کمیت آن بستگی به شرایط جوامع گوناگون دارد.

کشور ایران نیز از این قاعده مستثنا نبوده است؛ به طوری که برخی فرقه‌ها به صورت نیمه‌مخفیانه تحت عناوین آموزش مدیتیشن و یوگا به عضوگیری و فعالیت مشغول‌اند. ظهور افرادی که با تکیه بر نیروی درون و نیروهای طبیعی فوق‌العاده همچون انرژی درمانی و... به جذب افراد می‌پردازند، توجه به عقاید برخی اساتید مشهور فرق جدید همچون سای بابا، چاپ‌های متوالی و پر تیراژ کتب پائولو کوئلیو، اشو، خوزه سیلوا و...، همچنین چاپ و گسترش کتاب‌های مربوط به آموزه‌های بودیسم، تشکیل و تبلیغ کلاس‌های خصوصی یا نیمه‌خصوصی، آموزش‌های وسیع الطیف تحت عنوان موفقیت، مدیریت، آرامش و... که می‌کوشند برای سؤالات مذهبی افراد، پاسخ‌هایی را مطرح سازند و انسان را از رجوع به ادیان سنتی بی‌نیاز سازند، همه و همه نشانه‌های کاملاً معناداری از رشد جنبش‌های دینی جدید در ایران‌اند.

همان‌گونه که پیش از این مطرح شد، آنچه درباره این جنبش‌ها اهمیت دارد، سن اعضا، محل زندگی آنان (شهرهای کوچک و بزرگ، روستاها)، نحوه زندگی آنان، اعمال و شعائر (از سرود و نماز گرفته تا مدیتیشن، رقص و حتی قربانی شعائر) آنان است.

آنچه که طی مصاحبه‌هایی با برخی افراد آشنا به این فرقه (فالون دافا) حاصل شد، این بود که عمدتاً افراد جوان و زنان، عضو این گروه در ایران بوده‌اند که مهم‌ترین علل جذب افراد به بیان خودشان، انجام حرکات ورزشی و مدیتیشن بوده است. متأسفانه زمان دقیق حضور آنها در ایران به دست نیامد؛ اما زمان خاتمه فعالیت آنها در سال ۱۳۸۵ به درخواست سفارت چین در ایران بوده است.

عمده حضور آنها در شهر تهران و در پارک‌ها از جمله پارک لاله تهران بود. گستردگی دامنه فعالیت آنان تا آنجا بود که در برخی از سایت‌های رسمی و پربیننده معرفی شدند؛ به عنوان مثال در سال ۱۳۸۳ در سایت روزنامه ایران به بحث حسادت از دیدگاه فالون گنگ پرداخته شد؛ به گونه‌ای که حسادت، مذمت شده و به عنوان مانع بزرگی برای تزکیه روح در نظر گرفته شده و به آسیب‌های روانی و اجتماعی آن اشاره شده است.

با توجه به آنکه در حوزه دینی و فرهنگی و ادبی ایران درباره این صفت ناپسند مطالب بسیاری وجود دارد و حتی در حوزه روان‌شناسی، کتب و مقالات علمی در این باب وجود دارد؛ اما متأسفانه در یک سایت رسمی به سخنان فالون گنگ اشاره می‌شود که طی یک دوره زمانی نسبتاً طولانی و در چندین شماره مطالبی از این نوع در داخل سایت قرار می‌گیرد.^۱

همچنین در سایت همبستگی نیز کتاب فالون دافا، رهبر آن، منشأ جغرافیایی و عقیدتی این فرقه و انواع روش‌های تزکیه روح و بدن معرفی شده و مشکلاتی بیان شده است که حزب کمونیست در کشور چین به لحاظ سیاسی برای پیروان این فرقه ایجاد شده کرده است.^۲

بدین ترتیب این گروه توانسته است با دستیابی به رسانه‌ها از جمله اینترنت، نفوذ خود را گسترش دهد. کارشناسان فرهنگی باید به این مسئله توجه کنند و کارشناسان اجتماعی باید برای به شناسایی علل ظهور آنها در جامعه ایران اقدام کنند و به پیشگیری از ظهور چنین پدیده‌هایی مبادرت ورزند.

۱. <http://www.iran-newspaper.com/1383>

۲. <http://www.hambastegidaily.com>

نتیجه‌گیری و نقد

اگر فالون دافا از زاویه نشانه‌شناسی^۱ بررسی شود، در زمره جنبش‌های جدید قرار می‌گیرد. این جنبش دارای تشکل‌های پراکنده در بسیاری از نقاط جهان است که هدف آن، کسب قدرت سیاسی نیست و دارای اهداف و مطالبات محدودتر و عضویت در آن ساده است. عنصر مقاومت و اعتراض در جای جای این جنبش مشاهده می‌شود؛ اما اعتراض آن همانند جنبش‌های متعارف، با خشونت همراه نیست و اعتراض خویش را با ارائه نمادها و به طور مسالمت‌آمیز مطرح می‌کنند.

به عقیده وبر، مخالفت با وضع موجود از اهم ویژگی‌های جنبش‌های دینی جدید است. او جنبش‌های دینی جدید را از عوامل سدشکنی فرهنگی می‌دانست و بیان می‌کرد که گروه‌های نسبتاً بیگانه، مستعدترین گروه برای در هم شکستن نظم مستقر از طریق جنبش‌های پیامبرانه‌اند؛ به ویژه گروه‌های محرومی که خارج از ساخت منزلت اصلی جامعه خود قرار دارند، بیشتر احتمال دارد که از چنین جنبش‌هایی حمایت کنند.^۲

این جنبش به چند دلیل، خصلت اعتراضی دارد. همان‌گونه که مطرح شد این مکتب، ریشه در بودیسم و تائوئیسم دارد که از مهم‌ترین آموزه‌های آن، حرکت و شدن است و ایستایی در آنها مذموم شمرده می‌شود. به عقیده بودا هیچ چیز پایدار نیست و همه چیز گذراست.^۳ تائوئیسم نیز بر نظم استوار نیست؛ بلکه مبتنی بر آشوب است.^۴

۱. نشانه‌شناسی، علمی است که به مطالعه نظام نشانه‌ای نظیر: زبان‌ها، رمزگان‌ها، نظام‌های علامتی و... می‌پردازد. نشانه‌شناسی به دست فردینان دو سوسور و به مثابه علمی طراحی شده است که به بررسی زندگی نشانه‌ها در دل زندگی اجتماعی می‌پردازد. به طور کلی نشانه‌شناسی مطالعه عام نشانه‌ها به ویژه نشانه‌های غیر زبانی است. گیرو، نشانه‌شناسی، ص ۱۳.

۲. تامپسون و دیگران، دین و ساختارهای اجتماعی، ص ۷۵.

۳. جامعه‌شناسی دین، ص ۱۲۷.

۴. چین مدرن و غرب پست‌مدرن، ص ۷۲۶.

بدین ترتیب بنیان اعتقادی این مکتب، حرکت است. از سوی دیگر در «شو آن فالون» حدود سی بار واژه نجات و رهایی بیان شده و از مهم‌ترین شعارهای رهبر این گروه، نجات بشر است: «ما مردم را نجات می‌دهیم، ما باید مسئول شما باشیم و قادریم آن مسئولیت را بر عهده بگیریم.»^۱

با استناد به نظریات هبدايج، این گروه را می‌توان به مثابه یک خرده‌فرهنگ در نظر گرفت که هدف آن به چالش کشیدن هژمونی خواهد بود. به نظر وی خرده‌فرهنگ‌ها نه از طریق ابزارهای مستقیم، بلکه از طریق سبک که منظور، همان اداه‌ها، اطوارها و ژست‌ها به طور پنهانی و بدون جنگ‌های پارتیزانی است، پیام‌هایی را منتقل می‌کنند.^۲

علاوه بر شیوه بیان اعتراض در قالب نمادها، آنها برای نشان دادن قدرت خود به تعداد حامیان خویش اشاره می‌کنند. طی برخوردهای شدیدی که حزب کمونیست چین در دوران ریاست جمهوری جیانگ زمین با این گروه انجام دادند، از جانب کشورهای مختلف (آلمان، اتریش، اسپانیا، استرالیا، اسلوانیا، انگلیس، ایرلند، بلژیک، تایوان، جمهوری چک، سوئد، فرانسه، فنلاند، کانادا، نیوزیلند و هلند) بیانیه‌هایی برای حمایت از آنها صادر شد که همه بیانیه‌ها در سایت فارسی این گروه وجود دارد.^۳ عامل دیگری که نشان‌دهنده حضور مقاومت در این جنبش است به تمرین‌های آن به ویژه حالت مدیتیشن بر می‌گردد. در مدیتیشن، سخنی گفته نمی‌شود و تلاش می‌شود تا ذهن کاملاً خالی باشد. به نظر بارت، این نوع نازیبانی به معنای آزادی است.^۴

در واقع سخن‌نگفتن نوعی مقاومت در برابر زبان است که هیچ چیز را بیرون از خود نمی‌پذیرد و استبداد خود را بر همه کس و همه چیز برقرار می‌کند. به همین سبب، مدیتیشن، فضایی برای رهایی از این حصارهاست.

۱. شو آن فالون، ص ۳۳۹.

۲. هبدايج.

۳. www.iranfalundafa.org

۴. بارت، امپراطوری نشانه‌ها، ص ۱۱۰.

مورد بعد به نماد این فرقه برمی گردد. نماد فالون دافا، یک فالون است که پیوسته می چرخد و تمام اجزا و عناصر آن در حال چرخش اند؛ همان گونه که بیان شد، چرخش آنها در جهت گردش عقربه های ساعت، فرد را نجات می دهد و چرخش خلاف عقربه های ساعت برای نجات دیگران است.

این چرخش فالون نیز بیانگر مقاومت و دعوت به حرکت است؛ زیرا حرکت مخالف شرایط رایج، عامل نجات دیگران قلمداد می شود. افزون بر آن، ترکیب رنگ داخل این نماد برگرفته از فرهنگ چینی است و عناصری از یینگ و یانگ (-ying yang) در آن حضور دارد. یین و یانگ در اندیشه شرقی دو نیرو یا اصل مکمل اند که همه وجوه یا پدیده های زندگی را تشکیل می دهند.

یین به صورت زمین، جنس مؤنث، تاریکی، امر انفعالی و امر جاذب و پذیرا تصور، و در اعداد زوج نمایان می شود و نماد آن بیر و پلنگ نارنجی و خط گسسته است. یانگ به صورت آسمان، جنس مذکر، روشنایی، امر فعال، خلاق و نافذ تصور می شود و در اعداد فرد نمایان می شود و نماد آن ازدها، رنگ لاجوردی و خط پیوسته است. این دو نیرو رابطه معکوس دارند و توصیف همه فرایندهای واقعی جهان را می توان در تعامل آنها یافت. وقتی آن دو در حال تعادل باشند، به صورت دو نیمه تاریک و روشن یک دایره ترسیم می شوند.^۱

نماد این جنبش، همان گونه که در صفحات پیشین آمده دارای ترکیب رنگی است که نمایانگر یین و یانگ است. دایره پیرامونی این نماد که بخش اعظم آن را تشکیل می دهد به رنگ نارنجی و تنها بخشی از دایره های موجود در آن به رنگ آبی است. در واقع در این نماد، سلطه با رنگ نارنجی است. همچنین چهار دایره و چهار علامت تایجی در آن وجود دارد که نشان دهنده عدد زوج اند و تنها یک عنصر مفرد در مرکز نماد وجود دارد.

بنابراین در این نماد، بین یین و یانگ، توازن وجود ندارد؛ به گونه ای که حضور یین (نماد جنس مؤنث) در آن پررنگ تر است. بدین ترتیب نشانه دیگری از عنصر

۱. چین مدرن و غرب پست مدرن، ص ۷۳۲.

مقاومت را می‌توان در ترکیب رنگ نماد این جنبش مشاهده کرد. با تفوق رنگ نارنجی بر رنگ آبی، زنان به طور عام و فمینیست‌ها به طور خاص، جذب این جنبش خواهند شد و به هواداری از آن اقدام خواهند کرد. رهبر این جنبش بیان می‌کند که ما برای نجات بشر آمده‌ایم؛ اما در عین حال، نماد این جنبش به گونه‌ای خاص تر به رهایی زنان اشاره دارد.

به طور کلی پدید آمدن چنین گروه‌هایی در جوامع و جلب گسترده حامیان به علت خلأ وجود نهادهایی است که مشارکت اجتماعی را تشویق می‌کنند و سرمایه اجتماعی را در جامعه بالا می‌برند و گامی در جهت توسعه اجتماعی‌اند. کمبود این نهادها که واسطه‌ای بین بخش رسمی و غیررسمی‌اند سبب می‌شود تا افراد نتوانند به میزان کافی، مشارکت اجتماعی داشته باشند و مبدل به عناصری جدا افتاده می‌شوند که راه‌هایی از این انزوا، حضور و مشارکت در حوزه‌ای غیر از خانواده و محیط کار است که در صورت فقدان نهادهای کارآمد و مناسب برای هدایت انرژی جامعه در جهت توسعه‌یافتگی، بسیاری از افراد از جمله زنان و جوانان، جذب این گروه‌ها می‌شوند و توان و وقت خود را در جهتی صرف می‌کنند که برای توسعه جامعه بی‌اثر است.

از سوی دیگر این گروه‌ها برای اینکه بتوانند به خوبی در جامعه نفوذ کنند در تلاش‌اند تا پاسخ‌گوی آن چیزی باشند که نظم مستقر بی‌پاسخ گذاشته و بدان نپرداخته است؛ برای مثال چون برخی ادیان از زندگی روزمره فاصله گرفته و افراد تزکیه‌کننده همیشه جزء خواص بوده‌اند و آنچه برخی از ادیان آسمانی مطرح کرده‌اند بیشتر جنبه انتزاعی دارد و لمس آن در جریان عادی زندگی محقق نیست؛ به همین سبب، این جنبش تلاش می‌کند تا خلأ موجود را پر کند.

لی‌هنگجی در سخنرانی ششم خویش بیان کرده است که تمرین‌کنندگان باید به شکل مردم باشند و حق ندارند به صورت راهبه در آیند. آنها باید از تزکیه به صورت فردی اجتناب کنند و باید تمرینات را به صورت دسته‌جمعی انجام دهند.

در واقع رهبران این جنبش‌ها در تلاش‌اند تا هرچه بیشتر، خود را در تار و پود زندگی روزمره مردم جای دهند تا افراد بیشتری را با خود همراه سازند. این گروه علاوه بر نزدیکی به زندگی عادی مردم تلاش می‌کنند تا آموزه‌های انتزاعی را به سطح انضمام برسانند.

لی هنگجی در سخنرانی دوم خویش از چشم سوم سخن می‌گوید. به عقیده وی، یک تزکیه‌کننده تا هر سطحی که تزکیه کرده باشد می‌تواند صحنه‌های آن سطح را ببیند. قبل از آنکه تا سطح بالاتری تزکیه کند فکر می‌کند آن چیزها وجود ندارد و به آنها باور نخواهد آورد؛ اما در عین حال، او یک ویژگی فیزیکی برای این چشم قائل است و مکان آن را کمی بالاتر از وسط ابروها و متصل به غده صنوبری می‌داند و حالت فرد هنگام گشوده شدن چشم سوم را این‌گونه بیان می‌کند: «چشم فرد شدیداً به نور خیره می‌شود. در حقیقت، چشمان شما نیست که اذیت می‌شود؛ بلکه غده صنوبری شماست که اذیت می‌شود.»

همچنین در جای دیگر درباره سطح انرژی استادان فالون دافا چنین اشاره می‌کند: «خیلی از استادان چی گنگ برای اندازه‌گیری انرژی‌شان آزمایش شده و دستگاه‌های امروزی کشف کرده‌اند که ماده ساطع شده از استادان چی گونگ بی‌نهایت غنی است.»^۱

از مشخصات بارز دیگری که در بررسی فالون دافا قابل توجه است، تقویت رابطه مریدی و مرادی است. جنبش‌هایی از این نوع به دنبال احیای اقتدار کاریزمایی در برابر اقتدار عقلانی - قانونی‌اند. اقتدار کاریزمایی به بیان وبر، آن نوع از اقتدار است که مشروعیتش در ویژگی‌های خارق‌العاده فردی ریشه دارد که غالباً پیروان این صفات یا ویژگی‌ها را به رهبر مورد نظر اختصاص می‌دهند؛ به بیان دیگر، دلیل کاریزما بودن این فرد، بیش از آنکه به ویژگی‌های ذاتی و فطری او بازگردد به باور پیروان درباره او مربوط می‌شود. اقتدار عقلانی و قانونی، صورت دیگری از اقتدار است که منبع مشروعیت آن عقل و منطق است.

۱. شو آن فالون، ص ۸۴.

رهبران جنبش‌های دینی تلاش می‌کنند تا با ایجاد نوعی اقتدار کاریزمایی، پیروانی را برای خود جمع کنند تا با اتکا به آنها بتوانند اقتدار موجود را به چالش بکشند. بدین ترتیب با وجود این خط مشی، چنین جنبشی هم برای جوامع مدرن - که درون قفس آهنین بوروکراسی گرفتار شده‌اند - جذاب است و هم برای جامعه‌ای که دارای اقتدار سنتی است و درون‌مایه‌های اقتدار کاریزمایی دارد. بدین ترتیب، حضور چنین جنبش‌هایی در سطح جامعه، بیانگر تحولاتی اجتماعی است که نیازمند مدیریت است. چنانچه اداره این تحولات به خوبی محقق نشود، ممکن است زمینه‌ساز چالش‌ها و بحران‌های گسترده در سطح جامعه شود.

منابع فارسی

۱. اینگلهارت، رونالد، **تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی**، ترجمه مریم وتر، تهران، کویر، ۱۳۸۲ ش.
۲. بارت، رولان، **امپراطوری نشانه‌ها**، ترجمه ناصر فکوهی، تهران، نی، ۱۳۸۳ ش.
۳. تامپسون، کنت و دیگران، **دین و ساختار اجتماعی**، ترجمه علی بهرامپور و حسن محدثی، تهران، کویر، ۱۳۸۱ ش.
۴. جلالی‌پور، حمیدرضا، **جامعه‌شناسی جنبش‌های اجتماعی**، تهران، طرح نو، ۱۳۸۱ ش.
۵. کازینز، اس. ال، «**آیین بودای باستان**»، ترجمه علی رضا شجاعی، هفت آسمان، ش ۱۵، ۱۳۸۱ ش.
۶. کوزر، لوئیس، **زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی**، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۹ ش.
۷. کیویستو، پیتر، **اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی**، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نی، ۱۳۷۸ ش.
۸. گیدنز، آنتونی، **سیاست، جامعه‌شناسی و نظریه اجتماعی**، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نی، ۱۳۷۸ ش.
۹. گیرو، پی‌یر، **نشانه‌شناسی**، ترجمه محمد نبوی، تهران، آگاه، ۱۳۸۰ ش.
۱۰. لی هنگجی، **شوآن فالون**، بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۸۴ ش.
۱۱. مظاهری‌سیف، **فالون دافا معنویت بدن‌گرا**، در دست چاپ.
۱۲. هال، دیوید، **چین مدرن و غرب پست‌مدرن**، ترجمه بشیریه در مدرنیسم تا پست مدرنیسم، نویسنده: لارنس کهون، تهران، بی‌تا، نی.
۱۳. همیلتون، ملکم، **جامعه‌شناسی دین**، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، تبیان، ۱۳۷۷ ش.
۱۴. دلاپورا، دوناتلا و ماریو دینانی، **مقدمه‌ای بر جنبش‌های اجتماعی**، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، کویر، ۱۳۸۳ ش.
۱۵. زوئن، لیزبت ون، **رقص مرگ: جنبش‌های نوین اجتماعی و رسانه‌های گروهی در ارتباطات سیاسی در عمل**، دیویدل، پالتز، ترجمه مهدی شفقتی، تهران، سروش، ۱۳۸۰ ش.
۱۶. حمیدیه، بهزاد، «**ایران و رشد دین‌نماهای جدید**»، کتاب نقد، ش ۳۵، ۱۳۸۴ ش.

منابع لاتین

۲۰. Anthony ,D and Rabbins,T (1974) the meher baba movement,in Izaretsky and M. Leone (eds) religious movement in contemporary america. princeton. NJ: princeton university press .
۲۱. Gordon,D. F (1974) the jesus people: An identity synthesis,urban life and culture .
۲۲. Hebdige,Dig (1981) the meaning ofstyle ,subculture ,London ,Routledge.
۲۳. Levine,saul (2003) the joiners,in lorne. l. dawson (ed) cults and new religious movements,Blackwell. Luckman,t (1990) shirinkingtranscedence ,expandingreligion,sociological analysis50 (2)
۲۴. Marx,J and Ellison,D (1975) sensitivy training and communes: contemporary quests for community ,pacific sociological review 18 (4) .
۲۵. Peterson,d. w. and Mauss,A. L (1973) the cross and the commune: an intepretation of the jesus movement,in C. Y. Glock (ed) religion in sociological perspective. Belmont,CA Wadsworth.